

اپوزیسیون: کارنامه و چشم انداز

فرهنگ قاسمی

ما اپوزیسیون، تفاوت عمده ای که با حاکمیت جمهوری اسلامی داریم این است که خواستار برقراری نظم نوین بر اساس احترام به آزادی های فردی و اجتماعی و رعایت حقوق بشر هستیم. در مورد این هدف انسانی و با ارزش، رژیم را نقد و علیه آن مبارزه می کنیم، برنامه ارائه می دهیم، خواستار آزادی های لازم برای یک انتخابات بدون تبعیض هستیم. در این راه، آنهایی که در داخل کشوراند، اگر چه زیر ضرب و شتم و زندان و اعدام حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند، اما با رشادت و اعتقاد به راه و خط مشی و دکترین سیاسی خود مبارزه و مقاومت می کنند. به ویژه در ماه های گذشته، اپوزیسیون خارج کشور، این مبارزات را، در مناطق گوناگون جهان انعکاس داد؛ هر کس از موضع خود و از سرزمینی که در آن زندگی می کند از مبارزات داخل پشتیبانی کرد و خشم مشروع مردم ایران را به گوش مردم آزادیخواه جهان رسانید. در نتیجه افراد و محافل طرفدار حقوق بشر، آزادیخواه و مترقی را به جنبش مردم ایران متوجه و علاقمند ساخت. از سوی دیگر همین اپوزیسیون مدت هاست، چه در داخل و چه در خارج کشور برنامه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مطرح می کند و کوشش دارد علیرغم اختلاف های مرسوم و قابل فهم در جامعه ای که سال ها از دیکتاتوری و استبداد رنج برده، خود را متشکل سازد. متأسفانه درصد موفقیت و پیشرفت آن بسیار ناچیز است.

گاهی همین اپوزیسیون فراموش می کند که اگر تا به حال تشکل یافته بود شاید امروز حاکمیت جمهوری اسلامی اگر بر زمین نخورده بود، دستکم در سرایشی نابودی حتمی بسر می برد. به نظر می رسد اپوزیسیون، نسبت به ضرورت مبرم یک فعالیت حرفه ای، ارائه برنامه ی میان مدت و هماهنگ و همساز بین اجزای خود بیش از پیش آگاه شده باشد.

امروز که :

- مشروعیت نظام در عرصه ی ملی و بین المللی از میان رفته است؛
- در میان رهبران آن شکاف های عمیق به وجود آمده است؛
- در سطح روحانیت و مراجع تقلید هر روز اختلاف های تازه ای بروز

می‌کند؛ طبقه متوسط که در حمایت از حاکمیت نقش مهمی داشت و بدنه اصلی مخالفان جامعه را میساخت بسیار تضعیف شده است؛
- ناکارآمدی جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها به ویژه در حل معضلات خودش، حتی به وسیله‌ی ابزار و نهادهایی مانند: شورای نگهبان، دفتر رهبری و مجمع تشخیص مصلحت که توسط خود او به جهت حل بحران‌ها ایجاد گردیده، به روشنی آشکار شده است؛
- سرانجام در شرایطی که مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تمامی مرزها را در نوردیده، مسئولیت اپوزیسیون از هر زمان دیگر محسوس‌تر است.

در این شرایط حساس، بد نیست نگاهی به کارنامه‌ی چند ماه اخیر اپوزیسیون بیندازیم، این نگاه سبب خواهد شد ارزیابی درست‌تری داشته باشیم.

اما باید یادآور شد که نگرش ما در این نوشتار، حتماً تمامی نکات و زوایا را نخواهد توانست بررسی کند، پس لازم است با آن برخورد و کمبودهای آن تکمیل شود تا شاید با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون درصد دقت افزایش یابد. در هر صورت همانطور که همه‌ی خوانندگان این مطلب می‌دانند از نقطه نظر مدیریت، ارائه‌ی یک بیان دوره‌ای ضرورت حیاتی دارد. گمان می‌رود که اپوزیسیون در این زمینه کم-کاری کرده باشد. ما تا جایی که امکاناتمان اجازه می‌دهد به این امر می‌پردازیم، زیرا اعتقاد داریم ارائه‌ی یک بیان درست، ما را در راه و روش و اهداف و تاکتیک‌ها کمک خواهد نمود و همچنین باعث خواهد شد تا روی ضعف‌ها و کمبودها بیشتر کار شود.

در ارتباط با کارنامه‌ی اپوزیسیون باید گفته شود که علیرغم کم‌اهمیت بودن فاکتور جغرافیایی که در اثر گسترش وسایل ارتباطی جمعی پدید آمده است، ما این کارنامه را به علت شرایط اجتماعی و سیاسی در داخل کشور در دو بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ یکم، اپوزیسیون داخل کشور و دیگری اپوزیسیون خارج کشور.

بخش یکم اپوزیسیون داخل کشور

اگرچه امروز ایران خود به زندانی بزرگ بدل شده است، اما در همین زندان بزرگ زندان‌های مخوف قرون وسطایی وجود دارند و اپوزیسیون داخل اقدامات خود را نه تنها از درون زندان‌ها، بلکه همینطور از خارج زندان‌ها نیز دنبال می‌کند.

۱ - نقش اپوزیسیون داخل زندان

از آنجا که شرایط زندان هیچگونه حقوقی برای زندانی قائل نیست،

اعتراض به شرایط زندان و احقاق حقوق، ابتدایی ترین اقداماتی هستند که زندانیان سیاسی ایران از خود بروز می‌دهند و از آنجا که بخشی از اپوزیسیون کارآمد در زندان بسر می‌برد امروز زندان و زندانی‌های سیاسی نقش مهمی در ادامه‌ی جنبش ایفا می‌کنند. در حال حاضر اکثریت زندانیان سیاسی ایران از سران احزاب سیاسی هستند که از کیفیت مبارزات بالایی برخوردارند، از سران احزاب سیاسی اصلاح طلب حکومتی و غیر اصلاح طلب حکومتی، از افراد ملی، فعالان دگراندیش، اقلیت‌های قومی یا ملی، اقلیت‌های دینی یا مذهبی هستند که طبق خواست حاکمیت جمهوری اسلامی از فعالیت آزاد ممنوع اند. غالب این افراد با انتشار بیانیه و موضع‌گیری‌های سنجیده به زندگی سیاسی ادامه می‌دهند. به این ترتیب مبارزات داخل زندان‌ها بر دامنه‌ی مبارزات خارج از زندان می‌افزاید و یک نوع سینرژی در سطح کل مخالفان، به ویژه در خارج از مرزها را سبب می‌گردند.

۲- اپوزیسیون خارج از زندان

در چند ماه اخیر به روشنی دیده شد که دامنه‌ی رنگارنگی اپوزیسیون در داخل جامعه بسیار گسترده است. اما مشاهده می‌شود که اپوزیسیون داخل کشور اقدامات خود را با توجه به شرایط اختناق، طوری سازمان داده تا بیش از این نیروی انسانی روشنفکر و فعال خود را از دست ندهد.

۲.۱ : مثلث کروی، موسوی و خاتمی

چند ماهی است که غالب افراد و سازمان‌هایی که شتابزده خود را در لوکوموتیو جنبش سبز انداخته بودند، امروز نه تنها در کارآمدی آن برای آزادی و دمکراسی تردید کرده‌اند، بلکه یا از آن به طور کلی دوری گرفته‌اند یا حمایتشان شرط و شروطی به خود گرفته است و پی برده‌اند که این رژیم اصلاح پذیر نیست. به عبارت بهتر، امروز مرزبندی‌های بین اصلاح طلبان حاکمیت و طرفداران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مشخص تر شده است.

در خارج از زندان و در حیطه‌ی اقدامات سردمداران جنبش اصلاح طلب نظام، با وجود اینکه خاتمی خواهان مدارا با نظام است، اما محور کروی، خاتمی و موسوی موجودیت خود را حفظ کرده و رایزنی بین آنها همچنان ادامه دارد. می‌بینیم که این رایزنی هنوز نتوانسته است به یک اشتراک عمل منجر گردد. اگر چه موسوی بیانیه‌های دنباله دار را متوقف کرده و دست به عصا به ابراز مخالفت می‌پردازد، اما کروی در اظهار نظرات و ارائه‌ی مواضع پیگیر است.

تحول عمده ی کربوبی و موسوی در ماه های اخیر در جهت قبول رنگارنگی جنبش، توجه به ایجاد تشکیلات سیاسی نوین و موضع گیری های شدید نسبت به خامنه ای است. به نظر می رسد محبوبیت آنها کاهش یافته باشد اما مشاهده می شود که کوشش آنها در جهت حفظ ارتباط با توده مردم است.

۲.۲ : - جبهه ملی و نیروهای پیرامونی آن

عناصر ملی، دمکرات، آزادیخواه، مترقی سکولار و لائیک که به طور سنتی پیرامون جبهه ملی ایران قرار دارند، کوشش در حفظ ارتباط با مردم و مطرح ماندن در بدنه ی جامعه دارند. به نظر می رسد جبهه ملی ایران و سازمان های اقماری او با رژیم مماشات نداشته و کلیت نظام را نشانه گرفته و با درایت و هوشیاری، شرایط کلی جامعه را دنبال و انتقاد نموده و از اقدامات و موضع گیری های سنجیده غفلت نمی کنند. اینان در بیانیه های خود به صراحت اظهار می دارند که این رژیم صلاحیت و مشروعیت ندارد، اصلاح پذیر نیست و باید اداره ی جامعه را به افرادی که کردانی و دانش مدیریت را دارند، واگذار کند.

۲.۳ : نهضت آزادی و ملی مذهبی ها

اکثریت نزدیک به اتفاق این گروه همچون گذشته، فعالیت خود را در چارچوب رژیم محدود نموده، همکاری خود را با گروه اصلاح طلب حکومتی هماهنگ می کند. در ماه های اخیر، غیر از دعوت مخالفان به مخالفت آرام و غیر رادیکال، اقدام قابل چشمگیری از خود بروز نداده است.

۲.۴ : سازمان های کمونیستی

در هر جامعه ی آزاد وجود جریان های چپ و تضمین آزادی آنان همانند دیگر نحله های سیاسی، بسیار با اهمیت است جمهوری اسلامی از همان ابتدای موجودیت خود چپ ها را به دلیل افکار کمونیستی مرتد دانسته و قلع و قمع کرد. جالب توجه است که عناصر و سازمان های کوچک و مستقل کمونیستی - دانشجویان چپ در دانشگاه ها، به ویژه دانشگاه تهران - که قبلا شرایطی برای فعالیت نداشتند با جنبش ۸۸ هسته های خود را به وجود آورده اند. اینان همانند بقیه، هم اکنون در شرایط زیستی بسیار سختی به مبارزه و اقدام های خود علیه جمهوری اسلامی هستی می بخشند.

۲.۵ : تخریب از داخل و سیستم تک حزبی

در ماه های اخیر مشاهده می شود که عوامل مدافع و معتقد به جمهوری اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه به جان یکدیگر افتاده اند و نه تنها به ماهیت ضد انسانی خود نور افکندند، بلکه خوشبختانه هرکدام از طرفین مخاصمه با اقدامات تک سالارانه ی خود سنگ قبر رژیم را می تراشند و کل نظام را به نابودی حتمی می کشانند. این یکی از جلوه های جالب چند قطبی بودن قدرت تئومافیوکراسی در ایران است که سرانجام کم کم ثمره ی خود را برای مخالفان می دهد. اپوزیسیون باید بتواند از این وضعیت به نفع خودش استفاده کند. از جمله تضعیف و تخریب هاشمی رفسنجانی، پدر خوانده رژیم جمهوری اسلامی، تخریب ناطق نوری که بازرس ویژه ی بیت رهبری و مدیر ارشد محافظه کاران سنتی است و تخریب خامنه ای و ... را مشاهده می کنیم. همه ی این تخریب ها به بهترین نحو، حتی بهتر از تخریبی که باید اپوزیسیون در مورد آنها بنماید، انجام می پذیرد.

بدیهی است که در ساختار یکه سالارانه ی گروه احمدی نژاد، این تخریب ها در جهت تصاحب قدرت است به همین جهت جناح احمدی نژاد برای قانونی جلوه دادن به زد و بندها و برای مشروعیت بخشیدن به تجاوزات خود نسبت به احزاب و نهادهای سیاسی، سیستم تک حزبی را مطرح می کند که اگر موفق شود بر سر قدرت بماند حتما این هدف را عملی خواهد ساخت و با این کار ضربه ی سختی بر پیشرفت دمکراسی جامعه وارد خواهد کرد.

۲.۶ : رسانه ها و تأثیر بین المللی

مشخصه ی برجسته ی جنبش ۸۸، نقش رسانه ها بود که یک بعد قوی در تبلیغات بین المللی داشت و تداوم آن می توانست ضربه های کاری بر رژیم وارد آورد، فقط سرکوب گسترده ی آنها توسط قدرت حاکم، توانست حرکت به سوی فرو پاشی را مسدود کند. اما جنبش ۸۸ توانست در سطح جهانی اعتبار روابط دیپلماتیک رژیم حاکم را ضربه پذیر سازد و افکار عمومی بین المللی و روشنفکران کشورهای جهان را به خود جلب کند و علیرغم سرکوب داخلی، اذهان مردم جهان به مساله ایران هنوز متوجه است. ناگفته نماند که در این میان مساله اتمی در تحریک افکار عمومی بین المللی تأثیر بسیاری دارد.

۲.۷ : جنبش های اجتماعی

به نظر می رسد در چند ماه اخیر جنبش های اجتماعی در ایران اندکی فروکش کرده باشند. کشتار و زندانی اقلیت های قومی و ملی، مبارزان جنبش زنان و دانشجویان، سرکوب عریان و زندانی کردن مسئولان جنبش

کارگران و معلمان و... عمده ترین عامل این شرایط هستند. سازمان های غیرسیاسی و نهادهای حقوق بشری در ماه های اخیر بیشترین تلفات را داده اند.

بخش دوم: اپوزیسیون خارج کشور

تحولات خارج را می توان به دو طیف بزرگ تقسیم کرد.

الف: جبهه اصلا طلبان حکومتی در خارج از کشور

عوامل تشکیل دهنده ی این جبهه، دو شاخه می شوند. یکم، کسانی که در سال ۱۳۸۸ به خارج آمده اند. دوم، افراد و سازمان هایی هستند که پس از سال های شصت به اپوزیسیون خارج پیوستند. در حال حاضر جبهه اول شامل سه محور است:

۱- محور واشنگتن:

تلاش های این محور، معطوف به اهدافی مشتمل بر کج فهمی از مفاهیم استقلال، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر است و کانون این افراد، واشنگتن و صدای امریکاست. اینان از امکاناتی که امریکا در اختیارشان قرار داده است، با توجه کمتری نسبت به اصل استقلال جنبش اجتماعی برای مبارزه با رژیم استفاده می کنند که با مخالفان حکومت از جمله جنبش های دانشجویی و گروه های سیاسی اصلاح طلب در ارتباط تنگاتنگ هستند.

بخش دیگری از مخالفان رژیم در امریکا با استفاده از همه امکانات مشروع، همین کار را دنبال می کنند که به جهت موضع گیری های مستقل از بازده کمتری برخوردار است. روی هم رفته در ماه های اخیر، محور واشنگتن نه برای دفاع از مبارزات به حق مردم ایران، بلکه بیشتر به جهت افشای مساله اتمی، فعالیت قابل چشمگیری را ارائه می دهد. جبهه نامتشکل فعالان رسانه ای در این امور نقش قابل توجهی ایفا می کند.

۲- محور پاریس - بروکسل - برلین - لندن

در این بخش از اصلاح طلبان حکومتی در خارج از کشور، چهار شاخه وجود دارد :

۲.۱ : مبارزان کلاسیک، همچون بخشی از فداییان خلق اکثریت، بخشی از اتحاد جمهوری خواهان و حزب توده که سازمان دهی اعتراض های رسمی حضور به نسبت فعالی دارند. اینان خیلی زود خود را در جبهه اصلاحات

قرار دادند.

۲.۲ : گروه های فعال نوظهور که خود را متصل به جنبش سبز می دانند اما ظاهراً وابستگی تشکیلاتی به چارچوب های جنبش سبز مورد نظر موسوی و کروی را ندارند درعین حال سعی دارند به طور کورکورانه از رهنمودهای تهران دنباله روی کنند. این جریان ها که در ابتدای جنبش در بسیج مردم موفق بودند، به نظر می رسد که به علت اشتباه در نظر و عملکرد خویش، اقبال خود را از دست داده باشند.

۲.۳ : لایه های نزدیک به جریان موسوی و کروی که فعالیت علنی ندارند و در اتاق های فکر در حال برنامه ریزی هستند و شبکه تلویزیونی رسا را در اختیار دارند و هنوز چندان به طور علنی در اعتراض های موجود ظاهر نمی شوند، اما با توجه به پتانسیلی که دارند قادرند در آینده بخشی از اپوزیسیون را به خود جلب کنند.

۴.۲ : اپوزیسیون پیرامونی بی بی سی که از این رسانه در راستای انتشار اهداف اصلاح طلبی حکومتی بهره می جوید و همینطور در مواردی در دست سیاست های بریتانیای کبیر بازی می کند.

ب: جبهه طرفدار براندازی نظام جمهوری اسلامی

در این جبهه، طیف بزرگی از اپوزیسیون قرار دارند که در آن از راست تا میانه و چپ مشاهده می شوند که بیلان کار برخی از آنها درشش ماه اخیر بسیار مثبت و همین بیلان برای چندی دیگر نزدیک به صفر است. در زیر تلاش می شود با بی طرفی کامل به ترتیب اهمیت به هر کدام پرداخته شود. این گروه ها در محدوده ی جغرافیایی مشخصی مستقر نیستند.

اپوزیسیون طرفدار براندازی در خارج از کشور که عمدتاً شامل جبهه ملی، انجمن-های اسلامی طرفدار آقای بنی صدر، نئوسکولاریسم، اتحاد فداییان، جمهوری خواهان دمکرات و لائیک و سلطنت طلب ها هستند. آقای رضا پهلوی با سیاست خنثی در برابر تاج و تخت پهلوی و طرفداری از دمکراسی دامنه اقدامات تبلیغاتی خود را گسترش داده است و از جنبش مردم ایران دفاع می کند در این راه تا جایی پیش می رود که حلقه سبز به مچ دست خود می اندازد.

جبهه ملی، آقای بنی صدر و نئوسکولاریسم در ماه های اخیر دامنه ی فعالیت خود را گسترش داده و اقدام به کارهایی کرده اند که در نوع خود با ارزش و قابل تحسین هستند. اما فعالیت آنان جدا جدا، ناهمساز و در پاره ای موارد نا کافی ارزیابی می شود، در حالی که همسازی این سه جریان می تواند افق مناسبی را برای اپوزیسیون ترسیم کند. از سوی دیگر در شفاف نمودن برخی از نا فهمی ها در مورد

سکولاریسم و لائسیتة اختراع شده توسط آقایان سروش و مهاجرانی، نقش افرادی همچون آقای اسماعیل نوری علا و برخی از منفردین اپوزیسیون مهم بوده است. همینطور تأسیس جنبش سبز سکولاریسم و دامنه ی اقداماتش در کشورهای مختلف قابل قدر دانی است. در ماه های اخیر، اعلان ضرورت جبهه ای از اپوزیسیون توسط فعالان سیاسی و تأیید و آمادگی بسیاری در این زمینه را باید مثبت تلقی کرد. حرکت به سوی واقعیت دادن به این خواست باید برنامه ریزی شود. برای گام برداشتن در این جهت بایستی به تجربه های ناموفق گذشته به دقت توجه داشته باشیم. عوامل شکست کوشش هایی مانند شورای مقاومت ملی، اتحاد جمهوری خواهان، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک که در نوع ساختار، تبیین سیاسی و زیستار اجتماعی اعضا پنهان شده بودند را باید جستجو و خنثی نمود. در این هدف نباید از نظر دور داشت که بی تردید اداره ی حکومت، امری است که تنها بر هوش فراوان کفایت نمی کند، مستلزم اندیشه و تفکر وسیعی است که با هوش ترین و دقیق ترین افراد باید در آن اشتراک داشته باشند. بدیهی است که بدون خودفریبی و عوام فریبی باید اقرار کرد اگر نجات یک جامعه به این وابسته است که عاقل ترین مردم، مدیریت و راهنمایی و هدایت آن را به عهده بگیرند، اپوزیسیون این صفات و شایستگی ها را به همت عملکرد خویش، باید به اطلاع مردم ایران برساند.

چشم انداز آینده

نگارنده ی این سطور در مقاله های قبلی بارها خاطر نشان کرده است و باز تکرار می کند که اپوزیسیون بدون چشم انداز، اپوزیسیون صادقی نیست و همینطور مبارزان و فعالان برای دمکراسی و آزادی خواهی را با سود و زیان و مصلحت بینی کاری نیست. اگر برای خود به عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی، فضیلتی قایل هستیم، نباید به هیچ قیمت با مخالفان دمکراسی و آزادی که بر میهن حکومت می کنند سر آشتی و سازش داشته و در دام تظاهر و عوام فریبی آنها افتاد، بلکه باید در سایه ی تفاهم و همبستگی، اقدام های تاکتیکی و استراتژیکی خود را برای به دست گرفتن قدرت آماده کنیم. برای تحقق بخشیدن به این امر، بدیل جمهوری اسلامی باید:

۱ - ظرفیت واقعی همکاری و همبستگی اپوزیسیون در خارج از کشور رقم زده شود.

۲ - نیروهای جمهوری خواه سکولار و لائیک و دمکراسی خواه اپوزیسیون حرکت های خود را در یک جهت و برای یک هدف که به دست گرفتن قدرت سیاسی باشد، آرایش داده و از هدر رفتن انرژی خود در دیگر امور

بکاهند.

۳ - تشکیلات مناسب با اهداف و نیروی انسانی را تدارک ببینند و به ویژه نسبت به کدورت های گذشته تساهل نشان دهند.

۴ - این همبستگی می تواند در مورد تنظیم یک برنامه ی سیاسی (پروژه دو سوسیته) به طور جدی کار کرده و برنامه، آلترناتیوی در برابر جمهوری اسلامی ارائه دهد باید برنامه ی قریب به اتفاق اپوزیسیون باشد.

۵ - تشکیلات این همبستگی خواهد توانست متخصصان و کارشناسان را پیرامون خود جمع کند.

۶ - این امر بی تردید باعث می‌گردد که مردم در ایران نسبت به هموطنان خارج کشور و فعالیت سیاسی آنان اعتماد بیشتری پیدا کنند.

۷ - اگر کار با موفقیت انجام بگیرد، محافل جهانی اپوزیسیون را جدی تلقی خواهند کرد.

farhang.ghassemi@cogefi.com آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

www.rangin-kaman.org

Farhang GHASSEMI : Opposition iranienne : Bilan et Perspective